

باورداشت‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، مهم‌ترین بخش فرهنگ هر جامعه است که سبک زندگی و زیرساخت‌های آن را تعیین می‌کند. از سوی دیگر، ارزش‌ها که تعیین‌بخش هنجارها و سبک زندگی‌اند، خود مبتنی بر بنیان‌هایی هستند که در فلسفه اخلاق بررسی می‌شوند. پیوستگی ارزش اخلاقی، عناصر آفریننده و ملاک ارزش اخلاقی، برخی از این مبانی به شمار می‌آیند.

در این میان، عناصر آفریننده ارزش اخلاقی از دیرباز، کانون توجه فلاسفه اخلاق بوده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و دیدگاه‌های مختلفی درباره‌شان مطرح شده است. پسند اجتماعی، سود شخصی یا گروهی، قرارداد اجتماعی و نیت انجام وظیفه برخی از این دیدگاه‌ها هستند.

این مقاله، در صدد است «نیت» را به منزله یکی از مهم‌ترین عناصر ارزش آفرین به رفتارهای اخلاقی از منظر قرآن کریم معرفی و وابستگی ارزش اخلاقی عمل را به نیت الهی از این منظر اثبات کند.

پیشینه

هرچند نقش نیت در عمل در منابع اسلامی، همواره کانون توجه بوده است، اثری مستقل به‌طور منظم و جامع ابعاد این مسئله را از منظر قرآن بررسی نکرده است. تنها برخی مفسران به‌طور جسته‌گریخته در خلال تفسیر برخی آیات، به تبیین تأثیر نیت در ارزش عمل یا نتایج آن پرداخته‌اند. در این میان، آیت‌الله جوادی آملی در دو اثر *تسنیم* (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۲۹۹-۳۰۰) و *مراحل اخلاق* (همو، ۱۳۷۸، ص ۲۴۵) و نیز آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب‌های *اخلاق در قرآن*، *فلسفه اخلاق* و *مکاتب اخلاقی*، نکات ارزشمندی را در این باب بیان داشته‌اند. مقالاتی نیز در این زمینه نگاشته شده است که از میان آنها می‌توان به مقاله «نقش نیت در ارزش اخلاقی» (مصباح، ۱۳۹۱) و «نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی» (رهنما، ۱۳۹۰) اشاره کرد؛ اما هیچ‌یک از این آثار، مسئله پژوهش را از دیدگاه قرآنی بررسی نکرده‌اند.

ضرورت پژوهش

این پژوهش به چند دلیل ضروری می‌نماید: نخست آنکه فی‌نفسه موضوعی درخور بررسی است؛ زیرا در تعیین‌بخشی به بسیاری از هنجارها و سبک زندگی و تعیین مصادیق فعل اخلاقی نقش اساسی دارد، دوم آنکه یکی از وجوه تمایز اساسی مکتب اسلام با اکثر قریب به اتفاق بلکه همه مکاتب اخلاقی دیگر، نقشی است که این مکتب برای نیت در ارزش اخلاقی عمل قایل شده است. افزون بر این، نابسندگی پیشینه این تحقیق از دیدگاه قرآنی و نوپدید بودن آن در قلمرو مباحث مهمی چون مباحث فلسفه اخلاق، بر اهمیت و ضرورت آن می‌افزاید.

تأثیر نیت بر ارزش اخلاقی عمل از دیدگاه قرآن کریم

bagheryan_۴۹@yahoo.com

محمد باقریان خوزانی / دانشجوی دکتری علوم و قرآن و تفسیر

محمود رجبی / استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۰۸

چکیده

یکی از ارکان مهم ارزش اخلاقی در اخلاق اسلامی از دیدگاه قرآن کریم «حسن یا قبح فاعلی» است. این رکن که از آن به نیت نیز تعبیر می‌شود، چنان بر عمل فاعل اثرگذار است که گاه در منابع اسلامی از آن به‌عنوان هویت و اساس عمل یاد می‌شود. مقاله حاضر، به بررسی تأثیر نیت بر ارزش اخلاقی عمل از منظر قرآن می‌پردازد. با استفاده از آیات قرآن و دسته‌بندی آنها به دو گروه: «آیات بیان‌کننده تأثیر نیت بر عمل» و «آیات حاکی از تأثیر نیت بر نتیجه عمل»، می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از ارکان مهم ارزش اخلاقی عمل، «نیت عمل» است.

کلیدواژه‌ها: نیت، ارزش اخلاقی، حسن فاعلی، تأثیر نیت بر عمل، تأثیر نیت بر نتیجه عمل.

مفهوم‌شناسی

ارزش

ارزش در لغت به معنای بها، قیمت، شایستگی، قابلیت و اعتبار آمده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۹). این واژه در موارد مختلفی به کار می‌رود؛ مانند ارزش اقتصادی، ارزش هنری، ارزش معرفت‌شناختی، ارزش منطقی، ارزش اجتماعی، ارزش تاریخی، ارزش سیاسی، ارزش قضایی، ارزش حقوقی و ارزش اخلاقی (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۵۱). آنچه در این مقاله بدان پرداخته شده، ارزش اخلاقی است.

به باور برخی به دلیل بدیهی بودن و یا نبود معادل مفهومی، نمی‌توان معنایی برای این واژه در نظر گرفت و تنها می‌توان با کاویدن موارد کاربرد آن در حد امکان ملاک‌هایی را به دست آورد (معلمی، ۱۳۸۴، ص ۲۱)؛ اما برخی دیگر از اندیشمندان، مفاد ارزش را تقریباً مساوی مطلوبیت دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۴۵).

اخلاق

اخلاق جمع خُلق به معنای طبیعت (سرشت) و سجیه (خوی) است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۴۷۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۱۴). گاه در تعریف این معنای لغوی گفته می‌شود، مقصود، صفت یا حالتی نفسانی است که در نفس رسوخ می‌کند و منشأ صدور فعل بدون فکر کردن و سنجیدن می‌شود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۹)؛ اما این واژه در اصطلاح سه کاربرد دارد: نخست خصلت‌های درونی انسان (اعم از فضایل و رذایل) که در علم اخلاق بررسی می‌شوند؛ دوم خصوص اخلاق فاضله که اخص از معنای نخست است و رذایل را دربر نمی‌گیرد؛ و سوم، رفتارهایی از انسان که متصف به خوب و بد می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۹ و ۱۰). در این مقاله، اخلاق در معنای سوم محور بررسی است.

ارزش اخلاقی

برای ارزش اخلاقی، از سوی صاحب‌نظران تعاریف گوناگونی ارائه شده است. بیان این تعاریف و بررسی و نقد آنها فرصتی جداگانه می‌طلبد. در اینجا به بیان معنای مورد نظر در این مقاله بسنده می‌کنیم: ارزش اخلاقی، مطلوبیت یک عمل اختیاری از جهت تأثیرگذاری در دستیابی انسان به سعادت حقیقی است. از دیدگاه قرآن سعادت حقیقی در قرب به خداوند است و چنان‌که در این مقاله اثبات خواهد شد، نصاب این ارزش اخلاقی آن است که عمل با انگیزه الهی و به نیت قرب الهی انجام گیرد؛

اما انگیزه‌های عام بشری مانند نوع‌دوستی و عدالت‌ورزی، هرچند ارزش اخلاقی به شمار می‌آیند، فاقد نصاب ارزش قرآنی که سعادت حقیقی در گرو آن است، می‌باشند.

نیت

کلمه «نیت»، از ماده «نوی» گرفته شده و در این معانی کاربرد دارد: انتقال از جایی به جایی دیگر، دانسته گیاه، آنچه از خیر و شر از دل می‌گذرد، جانب و طرفی که به آن توجه می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۹۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۶) و سرانجام تصمیم قلبی (فیومی، ۱۴۰۵، ص ۶۳۲). برخی نیت را در کاربرد غالب به معنای عزم قلبی بر امری از امور می‌دانند (همان) و بیشتر کتب لغت، به «جهتی که در هر کار در نظر گرفته می‌شود» اشاره کرده‌اند (همان؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۳۴۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۶۶؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۵۱۵).

در زبان فارسی نیز «نیت» به معنای عزم، قصد، آهنگ (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۸۷۹)، اراده، اندیشه و قصدی که به دل بگیرند (دهخدا، ذیل واژه «نیت») آمده است.

نیت در اصطلاح گاهی به معنای «توجه نفس به کار یا هدف آن» به کار می‌رود. در این اصطلاح، نیت، توجه به همان هدف اصلی است که فعل به منظور دستیابی به آن انجام می‌شود. این معنا در مباحث فلسفی، «علت غایی» (مصباح یزدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۰)، و در روان‌شناسی، «قصد» (intention) (آرتور اس. ربر، ۱۳۹۰، ص ۴۵۹) نامیده می‌شود و گاه از آن به منزله یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار (با واژه انگیزه) یاد می‌شود (خداپناهی، ۱۳۷۹، ص ۱۰-۱۱).

در این مقاله مراد از نیت همان معنای فلسفی است که در فلسفه اخلاق اسلامی نیز مورد توجه است و نیت یعنی توجه به همان هدفی که کار برای رسیدن به آن صورت می‌گیرد و از آن به انگیزه انجام عمل تعبیر می‌شود. بنابراین در نیت هم توجه به کار مطرح است و هم توجه به هدف غایی و هم در نظر گرفتن نوع رابطه کار با هدف غایی.

عمل

«عمل» در لغت به معنای کار و خدمت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۷۵) است. گاهی عمل به خصوص کاری که از روی قصد از موجود باشعور سر بزند نیز اطلاق می‌شود. در اینجا، کار اخص از «فعل» است؛ چراکه «فعل» گاه به موجودات بی‌شعور یعنی جمادات و گاه به کاری که از موجودات ذی‌شعور، اما بدون قصد انجام می‌شود، نسبت داده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۸۷).^۱ مراد از «عمل» در این مقاله، رفتار آگاهانه آدمی است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار، روش تفسیر موضوعی است که مشابهت بسیاری به روش اسنادی و روش کیفی استقرایی دارد؛ یعنی به جای تکیه بر آمار، به تحلیل محتوای قطعه‌های برگزیده از متن قرآن می‌پردازد. در این مقاله، نخست آیاتی را که با دلالت آشکار یا پنهان بر تأثیر نیت در ارزش اخلاقی عمل دلالت دارند، برمی‌گزینیم و سپس با توجه به نحوه دلالت آنها را دسته‌بندی می‌کنیم؛ آنگاه چگونگی دلالت آیات بر مدعا را تبیین، و از این طریق مدعا را اثبات می‌نماییم.

کاربرد نیت در قرآن

واژه «نیت» در آیات قرآن کریم به کار نرفته است، اما با دقت در آیات می‌توان عبارات و واژگانی را یافت که متضمن یا بیانگر این مفهوم‌اند. این عبارات و واژگان را می‌توان در چهار دسته قرار داد:

۱. واژگان مختلفی که اعمالی را ارزشمند می‌دانند که با هدف کسب رضایت خدا و نزدیک شدن به او انجام شوند. تعبیر به کار رفته در این آیات عبارت‌اند از: «لله» (بقره: ۱۹۶)، «لوجه الله» (انسان: ۹) (برای خدا)، «فی سبیل الله» (بقره: ۱۵۴) (در راه خدا)، «اتبع رضوان الله» (آل عمران: ۱۶۲) (در پی خشنودی خدا)، «قربان عند الله» (توبه: ۹۹) (برای نزدیک شدن به خدا)، «أخْلِصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ» (نساء: ۱۴۶) (خالصانه برای خدا). کمترین دلالت چنین تعبیری این است که کار با انگیزه الهی انجام گیرد: ر.ک: لله (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۸)، اخلصوا دینهم لله (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۱۶۲)، بربدون وجهه الله (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۷۹؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۱۲)، اتباع رضوان الله (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۷۵)، اسلم وجهه لله (همان، ج ۱، ص ۴۱۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰۱)، نصحو الله (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۷۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۴۵)، مهاجراً الی الله (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۸۲؛ سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۶۵)، ابتغاء وجه ربهم (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۸۲)، لوجه الله (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۷)، ابتغاء مرضات الله (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۱۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۹۱)، فی سبیل الله (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۸)، قربات عندالله (سمرقندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۷)، اسس (بنیانه) علی (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۵۰۵؛ کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۱۸)، وجهت وجهی (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۷۶؛ اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۹۱)، تبتل الیه (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۹۲)، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ (اسراء: ۱۹؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۷۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵، ص ۲۶۵)؛

۲. واژگان و عباراتی که از عمل ریایی سخن به میان آورده، بر فقدان ارزش اخلاقی آن به دلیل نیت شرک‌آمیز تأکید می‌کنند؛ مانند تعبیر «رِئَاءَ النَّاسِ» در آیات (بقره: ۲۶۴؛ نساء: ۳۸؛ انفال: ۴۷)، «يُرَاؤُنَّ» (نساء: ۱۴۲؛ ماعون: ۶). این آیات عمل ریایی را به دلیل انگیزه غیرالهی بی‌ارزش می‌دانند و متضمن مفهوم نیت هستند: «مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الْآخِرَةَ» (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۴۸)؛
۳. واژگان و عباراتی که ملاک مؤاخذه برخی اعمال را «عقد الایمان» (نساء: ۳۳؛ مائده: ۸۹) یا «کسب القلوب» (بقره: ۲۲۵) می‌دانند. این دو تعبیر بر ارتباط اعمال دارای ارزش اخلاقی با پیوندی قلبی و عمل قلبی تأکید می‌ورزند و مفهوم نیت را دربر دارند (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰۷).

نقش نیت در ارزش اخلاقی

آیات بیانگر نقش نیت در ارزش اعمال اخلاقی را به‌طور کلی در دو دسته می‌توان جای داد:

۱. آیات بیانگر رابطه میان نیت و عمل،
۲. آیات بیانگر رابطه میان نیت و نتیجه عمل.

آیات بیانگر تأثیر نیت بر عمل

آیاتی که بر تأثیر نیت در مطلوبیت عمل دلالت دارند، گرچه مفاد متفاوتی دارند، در دلالت بر تأثیر نیت در ارزشمندی عمل هم‌داستان‌اند. در این قسمت به چند نمونه از این نوع آیات می‌پردازیم:

نیت، روح عمل

در یک آیه، عمل انسان بر عنوان «شاکله» مبتنی شده است؛ به این معنا که عمل با آن تناسب دارد و از آن برخاسته است. خداوند چنین می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء: ۸۴). مشاکله از شکل، به معنای همانندی در هیئت و صورت، یا هم‌شکل بودن است و اصل آن از شکل به معنای تقیید و در بند کشیدن حیوان است. برخی آن را از شکل به معنای انس و الفتی می‌دانند که بین دو همراه وجود دارد (همان‌گونه که انس و الفت دو طرف را مقید می‌کند، سنجیه و خلق، آدمی را مقید می‌سازد) و «شاکله» به معنای سنجیه و خلق است که آدمی را مقید می‌کند و انسان را به بند کشیده، به سمت کارهای نیکو سوق می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۶۲). این کلمه به معنای ناحیه، طریقه (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۱۵)، مذهب (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۵۷)، قصد (همان)، «جهت و خلیقت» نیز آمده است و فیروزآبادی آن را به معنای نیت نیز دانسته است (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۰۱). از میان معانی مزبور دو معنا با این آیه تناسب دارند: سنجیه و خلق (ملکات) و نیت و قصد.

علاوه بر لغویان، مفسران نیز در مقام توضیح این واژه بر آمده‌اند: *آلوسی* (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۱۴۳) به نقل از *فراء*، *زجاج* و *زمخشری*، شاکله را به معنای مذهب و طریقت می‌داند. وی می‌گوید *مجاهد* و *ابن عباس*، شاکله را به معنای طبیعت گرفته‌اند. شبیه این نظر دیدگاه *فخر رازی* است که مراد از شاکله را آن می‌داند که هر کسی همسان با جوهر و ذات خویش عمل می‌کند.

علامه طباطبایی پس از بیان معانی لغوی این واژه، می‌فرماید: در هر حال آیه کریمه، عمل انسان را بر شاکله مترتب می‌نماید؛ یعنی عمل آدمی مناسب و موافق شاکله است و شاکله به منزله روحی است که در کالبد عمل جاری است. از طریق تجربه و در مباحث علمی نیز به اثبات رسیده که میان ملکات نفسانی و اعمال، رابطه‌ای ویژه برقرار است. از این رو عمل انسان شجاع با عمل انسان ترسو به دلیل تفاوت در شاکله و ملکات نفسانی شان یکسان نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۸۹-۱۹۰). ایشان ظاهراً همانند *ملاصدرا* شاکله را به معنای ملکات و حالات نفسانی می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۲۸۸). می‌توان گفت ملکات نیت فرد را می‌سازد و یا صدور نیت را تسهیل می‌کند و بر اساس آن فعل آدمی شکل می‌گیرد. بنابراین شاکله را چه به معنای نیت و چه به معنای سجیه بدانیم، بر تأثیر نیت در ارزش عمل دلالت دارد؛ زیرا آیه شریفه به قرینه ذیل آن (فَرِيضَتُكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْلُ سَبِيلًا) در مقام ارزشیابی اعمال است.

ممکن است گفته شود اگر شاکله را به معنای سجیه بدانیم، این آیه بر نفی تأثیر نیت در عمل دلالت دارد؛ زیرا عمل را ناشی از ملکات می‌داند؛ ولی با دقت در توضیح مزبور و تأییدات روایی می‌توان فهمید که میان نشئت گرفتن عمل از ملکات و دلالت آن بر تأثیر نیت در عمل، منافاتی وجود ندارد. توضیح آنکه با توجه به این نکته که شاکله به معنای چیزی است که نیت آدمی را شکل می‌دهد و اطلاق شاکله بر نیت از باب اطلاق سبب بر مسبب است، بنابراین در هر صورت نیت در شکل‌گیری عمل نقش دارد و چون آیه در مقام ارزش‌گذاری عمل است، دلالت بر تأثیر نیت بر ارزش عمل دارد.

اطلاق شاکله بر نیت در روایات را نیز می‌توان از همین باب دانست و آن را مؤید این برداشت به شمار آورد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «النية أفضل من العمل، ألا وإن النية هي العمل، ثم قرأ قوله عز وجل قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ يَئِنِّي لَأَشْكُرُكُمْ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶).

مرحوم مجلسی در *مرآة العقول* همین دیدگاه را مطرح کرده، می‌گوید: از آنجاکه نیت تابع شاکله است و شاکله نیت را شکل می‌دهد در روایات، شاکله به نیت تفسیر شده است: *حيث قال: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ»* یعنی علی نیته و *وكانه* بمعنی *فسر الشاکلة التي تطلق غالباً على الحالة والطريقة بالنية* -إذنا بأن النية تابعة لحالة الإنسان وطريقته كما أومأنا إليه، وإن ورد بمعنی النية أيضاً، قال الفيروزآبادی: الشاکلة: الشكل والناحية والنية والطريقة (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۸۵).

آیات دیگری که به جایگاه نیت به منزله اساس و روح عمل اشاره دارند، بدین شرح‌اند:

لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلُوا لَتَحْمِلَهُمْ قُلْتُ لَا أَحَدٌ مَّا أَحْمَلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَكَّأُوا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ؛ بر ضعيفان و بيماران و آنها که وسيله‌ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند)، هرگاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند (و از آنچه در توان دارند، مضایقه نکنند). بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست و خداوند آمرزنده و مهربان است! (۹۱) و (نیز) ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی؛ گفتی: «مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم!» (از نزد تو) باز گشتند، در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند) (توبه: ۹۱-۹۲).

نفی حرج در آیات شریفه، گاه صرفاً دلالت بر نفی گناه و جواز کار دارد و گاه علاوه بر آن مقصود، وجوب کاری است و گاه به معنای جواز و برخوردارگی از پاداش آن عملی است که انجام نگرفته است. در این آیه، معنای سوم مد نظر است؛ زیرا اگر مقصود صرف نفی حرج می‌بود، این مطلب از قسمت نخست آیه قابل استفاده می‌بود. عطف این گروه بر عناوین قسمت قبل، باید نکته‌ای فراتر از آن باشد. در واقع آیه کسانی را که در جهاد شرکت نکرده‌اند به دو دسته تقسیم کرده است: جمعی معذورند و خداوند از آنان در می‌گذرد و عذرشان مقبول است و دسته دوم علاوه بر معذور بودن از پاداش الهی هم بهره می‌برند. به همین دلیل جمله «والله غفور رحیم» در ذیل قسمت نخست آمده است؛ در صورتی که اگر صرف معذور بودن مراد می‌بود، مناسب آن بود که جمله «والله غفور رحیم» ذیل قسمت دوم قرار گیرد. مؤید این برداشت روایت نبوی است که این آیات را نازل شده درباره افرادی می‌داند که قصد مشارکت در جنگ تبوک در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشتند؛ اما امکانات و توان شرکت در این جهاد برایشان فراهم نبود. در این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

لقد تركتم بالمدينة رجالاً ما سرتهم في مسير ولا أنفقتم من نفقة ولا قطعتم واديا الا كانوا معكم فيه قالوا يا رسول الله وكيف يكونون معنا وهم بالمدينة قال حبسهم العذر؛ شما در مدینه مردانی را ترک گفتید، در حالی که مسیری را نپیمودید و هزینه‌ای نپرداختید و در وادی‌ای گام ننهاده‌اید جز آنکه آنان با شما در این امور شریک بودند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۶۷).

سپس پیامبر در پاسخ اصحاب که پرسیدند چگونه؟ فرمود همین که آنان را همین که عذر داشتند کافی است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا اشک ریختن و حسرت خوردن از عدم امکان شرکت در جنگ، سبب بهره‌مندی از پاداش عمل و به منزله شرکت در جهاد است یا این دو عنوان، نمود امری

دیگرند که آن امر به منزله عمل، و بلکه اساس و روح عمل است. قراین موجود در این دو آیه مؤید آن است که نیت در ارزشمندی این دو امر تأثیر و نقش اساسی دارد؛ زیرا در ذیل آیه اول می‌فرماید: «إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ»؛ یعنی صرف فراهم نبودن شرایط برای شرکت در جهاد کافی نیست، بلکه نصیحت لله ضرورت دارد و واژه «الله» دلالت بر انجام دادن کار (نصیحت) برای خدا دارد. استفاده از کلمه محسنین نیز دال بر نقش نیت است؛ زیرا نفعی سبیل منوط به محسن بودن این افراد شده است و وصف فاعل دلالت بر حسن فاعلی و نقش نیت دارد.

در آیه دوم نیز راز ارزشمند بودن اشک ریختن، اندوه از نداشتن ساز و برگ جنگ ذکر شده و روشن است که اگر آنان نیت و اشتیاق شرکت در جهاد را نمی‌داشتند، از نداشتن امکانات شرکت در جهاد اندوهگین نمی‌شدند. بنابراین نیت الهی منشأ ارزش در عمل اخلاقی و روح عمل است.

باطل شدن عمل ریایی

جایگاه نیت و تأثیرگذاری آن در ارزش اخلاقی منفی همانند ارزش اخلاقی مثبت است. آیه‌ای که بر این مطلب دلالت دارد، چنین است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را به منت نهادن و رنجاندن تباه مکنید؛ مانند آن کس که مال خویش را برای نمایاندن به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز واپسین ایمان ندارد [و نتیجه‌ای از انفاق خود نمی‌یابد]. داستان او چون داستان سنگ سخت صافی است که بر آن خاکی (غباری) باشد و تندبارانی به آن برسد [و آن خاک را ببرد] و سنگ را همچنان سخت و صاف (بدون خاک) بگذارد. [ریاکاران نیز] بر هیچ چیز از آنچه کرده‌اند دست نمی‌یابند و خداوند مردم کافر را راه نماید (بقره: ۲۶۴).

آیه شریفه باطل شدن عمل بر اثر منت و اذیت را مشابه عمل ریایی و فاقد نیت الهی دانسته است. مقصود از بطلان عمل، از بین رفتن عمل در آخرت نیست؛ زیرا طبق صریح آیه شریفه «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله: ۸) و «وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف: ۴۹) عمل ریایی باقی می‌ماند. پس مقصود این است که نتیجه و هدفی که فاعل از فعل داشته و برای رسیدن به آن، عمل را انجام داده است، بر عمل بار نمی‌شود؛ یعنی این عمل در پیشگاه خداوند مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. آیه شریفه می‌فرماید عمل ریایی و عمل غیرریایی همراه با منت و آزار در این جهت مشابه هم هستند؛ زیرا هر دو در این جهت که نیت الهی ندارند یکسان‌اند در مقابل، عمل با نیت الهی چون همراه با چنین نیتی است ارزشمند و نتیجه‌بخش است. پس آنچه عمل را ارزشمند می‌سازد نیت است.

ذیل آیه شریفه نیز مؤید همین امر است؛ زیرا عبارت «لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا» بر فقدان نتیجه‌بخشی اعمال ریایی که نشان ارزشمند نبودن آن است، دلالت دارد. در تشبیه ذکر شده در آیه نیز به راز بی‌نتیجه بودن و ارزشمند نبودن عمل ریایی اشاره شده است که عبارت است از بی‌بنیان بودن آن، یعنی فاقد نیت الهی بودن.

یکسانی عمل و رضایت به عمل

یکی از آیات دلالت‌کننده بر تأثیرگذاری نیت در ارزش عمل، عمومیت بخشیدن انتساب عمل به فرد بر اثر رضایت به آن است؛ مانند:

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمُ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا؛ پس او را دروغ‌گو شمردند و آن را پی کردند (کشتند). پس خدایشان به سزای گناهشان آنان را هلاک و نابود کرد و [با خاک] یکسانشان ساخت (شمس: ۱۴).

این آیه ناظر به جریان پی کردن ناقه حضرت صالح علیه السلام است. «عقر» که در لغت، نحر کردن شتر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۷۷) را گویند، جز از تعداد محدودی که در کنار ناقه حضور داشتند نمی‌توانست صادر گردد، و طبق روایات و نقل‌های تاریخی نیز، تنها یک نفر از آن قوم به این جنایت اقدام کرد (شریف رضی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۸۱؛ نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۳۵)؛ ولی چگونه خداوند در قرآن این عمل را به همه قوم نمود نسبت داده و از بی‌کنندگان ناقه با صبیغه جمع «فَعَقَرُوهَا» (هود: ۶۵؛ شعراء: ۱۵۷) تعبیر و از مجازات همه آن قوم سخن گفته است؟

در پاسخ باید گفت اگر بنا بود خداوند بندگان را تنها در برابر رفتار و عملشان مجازات کند، می‌بایست همه طایفه نمود این عمل را انجام داده باشند تا عمل آنان چنین پیامدی را در پی داشته باشد؛ ولی بعید به نظر می‌رسد چنین رفتاری از همه آنان سر زده باشد. پس آنچه در همه آنان وجود داشته، رضایت آنان به این جنایت بوده است (شریف رضی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۷).

در روایات نیز بر این نکته تأکید شده است: «أبْهَى النَّاسِ إِنْمَاءُ يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَاءَ وَالسُّخْطَ وَإِنْمَاءُ عَقْرِ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَوْهُ بِالرِّضَاءِ» (همان).

با توجه به آنچه گذشت، آیه شریفه عمل یک فرد را به دیگران نسبت داده و آنان را بر آن عمل مجازات کرده است. اگر ارزش منفی عمل تنها به خود عمل بدون در نظر گرفتن نیت و رضایت به آن وابسته می‌بود، نه آن نسبت درست و نه آن مجازات عادلانه می‌بود؛ زیرا عمل از آنان صادر نشده بود.

نیت راز بقا و ارزشمندی عمل

تأثیر دسته دیگری از آیات که دلالت بر تأثیر نیت در عمل دارند، آیاتی‌اند که از نقش نیت در بقای عمل سخن می‌گویند؛ مانند:

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ و با خدای یکتا خدای دیگر مخوان. جز او خدایی نیست. هر چیزی جز ذات او نیست شدنی است. فرمان او راست و به سوی او باز گردانیده می‌شود (قصص: ۸۸).

برای اثبات دلالت آیه بر نقش نیت در ارزش عمل، پرداختن به مقصود از کلمه «وجه»، ضرورت دارد. برای «وجه» در منابع لغوی، این معانی ذکر شده است: صورت، ابتدای شیء (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۵۵)؛ مقابل و روبه‌روی هر چیزی (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۶۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۸۸)، شریف‌ترین و نخستین (شکل) هر چیز (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۵۵)، «ذات» (همان؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۸۸؛ سیدمرتضی، ۱۳۲۵، ج ۳، ص ۴۷)، چاره کار، سمت و سو، قدر و منزلت، رئیس (سیدمرتضی، ۱۳۲۵، ج ۳، ص ۴۷)، قصد (همان؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۵۶)، موضعی که به سوی آن توجه کرده و قصد می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۵۵۶)؛ و «وجه الله» جهتی را گویند که خدا به آن امر کرده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۶۶).

فخر رازی با استناد به کلام شاعر عرب «وجه» را به معنای قصد و نیت گرفته است و می‌گوید:

المراء من الوجه القصد والنية قال الشاعر: أستغفر الله ذنباً لست أحصيه رب العباد إليه الوجه والعمل؛ ونظيره قوله تعالى: إِيَّيْهِ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (انعام: ۷۹) (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۱).

به نظر می‌رسد «وجه» به معنای قسمتی از شیء است که با آن روبه‌رو و مرتبط می‌شویم (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۰۱). معانی دیگر، موارد کاربرد و مصادیق این معنا یا قابل بازگشت به آن هستند. توضیح و تبیین این نکته مسئله‌ای مربوط به فقه اللغه است که از آن چشم می‌پوشیم. اگر این معنا هم پذیرفته نشود، از میان معانی مزبور، متناسب‌ترین معنا با آیه شریفه، «ذات» و «نیت» است.

اراده معنای ذات در آیه شریفه نادرست است؛ زیرا اگر مقصود ذات الهی بود، مناسب آن بود که گفته شود «کل شیء هالک الا الله». بنابراین کاربرد واژه «وجهه» به جای «الله» نشان آن است که مراد ذات الهی نیست. با توجه به آنچه گذشت، «وجهه» (وجه الهی) در آیه شریفه یا به معنای جهت و ناحیه‌ای است که از آن جهت با خدا ارتباط برقرار می‌شود و یا به معنای نیت الهی است.

اگر وجه خدا را به معنای جهت و ناحیه که از آن جهت با خدا روبه‌رو می‌شویم بدانیم، با توجه به این نکته که خدا موجودی مادی نیست، مقصود آن چیزی است که موجود یا عمل با آن حقیقتاً به خدا

پیوند می‌خورد و به خدا نزدیک می‌شود و تقرب می‌جوید و آن چیزی جز نیت الهی و یا عمل همراه با نیت الهی نیست. لذا از آنجاکه نیت تنها چیزی است که ذاتاً به خدا پیوند می‌خورد و هر عمل دیگری با ضمیمه شدن نیت الهی با خدا ارتباط می‌یابد و خدایی می‌شود، محور اصلی نیت است.

اما آنچه در روایات آمده است مبنی بر اینکه مقصود از وجه الله «دین خدا»^۲ و یا «ائمه معصومین»^۳ است، منافاتی با این برداشت ندارد؛ زیرا به نظر می‌رسد ذکر آن از باب ذکر مصداق است؛ به این معنا که دین خدا و دستورهای الهی و امامان معصوم^۴ نیز با خدا پیوند دارند و راه و واسطه تقرب و نزدیکی به خدا هستند و یا انسان‌ها با آن دو به خدا نزدیک می‌شوند. به عبارت دیگر، از آنجاکه معصومان^۵ مقربان بارگاه الهی هستند، به واسطه توجه به آنان می‌توان به خدا توجه کرد؛ همان مضمونی که در زیارت جامعه کبیره نیز به آن اشاره شده است: «من قصده توجه بکم»؛ هر کس خدا را قصد کند به شما روی می‌آورد (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۶). لذا وجه به معنای چیزی است که انسان‌ها با آن متوجه خدا می‌شوند و بلا تشبیه به منزله چهره خدا هستند.

بنا بر آنچه گذشت، مراد از آیه شریفه این است که هر چیزی نابودشدنی است، مگر آنچه با نیت الهی همراه باشد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که به چه دلیل کل شیء در آیه شریفه دربرگیرنده عمل می‌شود. پاسخ آن است که به دو دلیل، آیه شامل اعمال می‌شود: نخست اطلاق و عموم «کل شیء» و دوم سیاق صدر آیه شریفه. در صدر آیه از عبادت خالصانه برای خدا^۶ که یک عمل است سخن به میان آمده است و جملات بعد، از جمله عبارت «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» در صدد تبیین و توجیه صدر آیه هستند. در این صورت جمله «کل شیء هالک» شامل عمل نیز می‌شود. با این توضیح مراد آیه با توجه به سیاق این می‌شود که در عبادت غیر خدا را شریک مساز؛ زیرا معبودی جز او نیست و هر عملی که به نیت غیر الهی صورت گیرد، بی‌ارزش و نابودشدنی است یا هر چیزی چه عمل و چه غیر عمل نابودشدنی است و تنها با نیت الهی ارزشمند و ماندگار می‌ماند.

تأثیر نیت بر نتیجه عمل

از جمله آیاتی که نقش نیت را در ارزشمندی عمل نشان می‌دهند، آیاتی هستند که بر تأثیر نیت بر نتیجه عمل دلالت دارند؛ زیرا گذشت که ارزشمندی عمل به معنای مترتب شدن هدف بر عمل است؛ هدفی که فاعل هنگام عمل برای عمل در نظر گرفته است. در واقع این دسته از آیات در صدد بیان ارزشمندی اخلاقی عمل از راه بیان ترتب نتیجه عمل بر عمل است. از این‌رو به بررسی برخی از این آیات می‌پردازیم.

وابستگی پذیرش عمل به نیت

از جمله آثاری که قرآن کریم به طور غیرمستقیم برای حسن فاعلی یادآور می‌شود، پذیرفته شدن عمل است. این مطلب را می‌توان از داستان هابیل و قابیل و علت رد و پذیرش قربانی آن دو در قرآن به دست آورد. قرآن حکیم، علت پذیرش قربانی هابیل و عدم پذیرش قربانی قابیل را متقی بودن فاعل یکی از دو عمل بیان می‌فرماید: «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَكَمْ يُتَقَبَّلُ مِنَ الْآخِرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده: ۲۷). در این آیه خداوند می‌فرماید دو فرزند آدم قربانی کردند، ولی از یکی قبول شد و از دیگری قبول نشد، با آنکه عمل هر دو یکسان بود و عمل (قربانی) به هر دو نفر نسبت داده شده است. آنچه نتیجه عمل آن دو را نزد خداوند متفاوت ساخته است، تقوا داشتن یا نداشتن است. معیار قبولی عمل، تقواست. خداوند در سوره حج نیز که درباره چگونگی قربانی و پذیرش آن از سوی خدا سخن می‌گوید، عامل اصلی پذیرش قربانی را تقوا می‌شمارد. «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ» (حج: ۳۷)؛ گوشت و خون آنها هرگز به خدا نمی‌رسد، ولیکن پرهیزگاری شما به او می‌رسد.

تقوا در بینش قرآنی به معنای داشتن پروای الهی و خدامحوری در انجام یا ترک هر کاری است. انسان تقوایی به مراقب است که کار را به نیت قرب الهی انجام دهد و از این جهت آسیبی به عمل او وارد نشود. با این توضیح روشن می‌شود که در مفهوم تقوا، نیت الهی نهفته است و منوط شدن ارزشمندی عمل به تقوا به معنای منوط شدن به نیت است.

وابستگی پاداش به نیت خالصانه

از دیگر آیات ناظر به رابطه نیت (حسن فاعلی) با نتیجه عمل، آیه ۲۶۲ سوره بقره است. طبق این آیه، پاداش انفاق منوط به دو امر مهم شده است: یکی اینکه عمل «فی سبیل الله» باشد و دیگر آنکه منت و آزاری در پی آن نباشد:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَّا وَلَا أذى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که مال‌های خود را در راه خدا انفاق کنند و از پی انفاقی که کرده‌اند متی نهند و نرنجانند، مزد آنان نزد پروردگارشان است؛ نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهگین شوند.

علاوه بر آنچه در مباحث گذشته درباره دلالت قید فی سبیل الله بر نیت ذکر شد، از مقایسه این آیه با آیه «لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ» (بقره: ۲۶۴) که نقطه مقابل پذیرش انفاق یعنی بطلان آن را بیان می‌کند و در هر دو منت و اذیت ذکر شده است، می‌توان فی سبیل الله را

نقطه مقابل «رِئَاءَ النَّاسِ» دانست؛ یعنی همان‌گونه که نیت ریایی بیانگر «قیح فاعلی» است، «فی سبیل الله» نیز بیانگر «حسن فاعلی» است. آنچه این برداشت را تقویت می‌کند، کاربرد قرآنی «فی سبیل الطاغوت» (نساء: ۷۶) در برابر «فی سبیل الله» است. گرچه به صراحت نمی‌توان اصطلاح نیت را از این عبارت برداشت کرد، لازمه عمل در راه خدا آن است که با «نیت» الهی انجام شود. از این رو می‌توان گفت که این آیه نیز به گونه‌ای مؤید تأثیر حسن فاعلی بر نتیجه عمل است.

نقش نیت در کسب خیر دنیوی و اخروی

دو آیه زیر به نتایج ارزشمند برخی افعال اخلاقی اشاره دارند؛ نتایجی که حاصل نیتی پاکیزه و ارجمند است:

قَاتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأَوْلَىٰ لَهُمْ الْمُؤْمِنُونَ * وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاٍ لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْمَعُونَ؛ پس حق خویشاوند و درویش و در راه مانده را بده؛ این بهتر است برای آنان که [خشنودی] خدای را می‌خواهند، و ایشان‌اند رستگاران * و آنچه از ربا می‌دهید تا [برای شما] در مال‌های مردم بیفزاید پس [بدانید که] نزد خدا افزون نمی‌شود، و آنچه از زکات می‌دهید که [بدان وسیله] خشنودی خدای را می‌خواهید، پس ایشان‌اند افزون‌یافتگان (روم: ۳۸-۳۹).

اراده از ریشه «رَوَدَ»، به معنای طلب همراه با تلاش است. اراده در اصل قوه‌ای مرکب از خواش، نیاز و آرزوست. به بیان دیگر اراده نامی است برای کشیدن و برکندن نفس به سوی چیزی که سزاوار است انجام شود یا انجام نشود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۷۱). مشابه این تعبیر در آیات دیگر نیز آمده است؛ مانند «یریدون وجهه» (انعام: ۵۲؛ کهف: ۲۸).

این آیات همچنین هم‌مضمون با آیاتی‌اند که در آنها عبارت «ابتغاء وجه رب» آمده است؛ یعنی این افراد با انجام این‌گونه کارها در طلب ذات الهی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۵۶) و یا هرچه مایه قرب به خداست (سید مرتضی، ۱۳۲۵، ج ۳، ص ۵۰) هستند. در مباحث گذشته درباره دلالت قید «وجه الله» بر «نیت» توضیح داده شد.

دلالت این آیات بر تأثیر نیت در نتیجه عمل نیز روشن است. آیه نخست، اراده «وَجْهَ اللَّهِ» را شرط «خیر شدن» ادای حق ذالقربی و مسکین و ابن‌السبیل، و نیز شرط نیل به رستگاری معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که چنین نیتی ذات و ماهیت عمل را به «خیر» تبدیل می‌کند. بنابراین خیر شدن عمل نتیجه نیت الهی است.

آیه دوم نیز حاکی از این است که پرداخت زکات به نیت «وَجْهَ اللَّهِ»، موجب مضاعف شدن ثواب و اموال می‌شود که با توجه به این نکته که مضاعف شدن اموال در همین دنیاست

(ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۵۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۳۴) اثر حسن فاعلی بر نتیجه عمل در دنیا و آخرت از این آیه به دست می آید.

تأثیر نیت در نیل به منزلتی ارزنده

یکی از موارد بیانگر تأثیر نیت بر نتیجه عمل، آیات بیانگر هجرت در راه خدا هستند. برای نمونه خداوند در قرآن می فرماید:

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ * لِيَدْخُلْتَهُمْ مُدْخَلًا بِرِضْوَانِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ (حج: ۵۸-۵۹).

طبق این آیه شریفه، «رزق حسن» و «ورود به جایگاه مرضی پروردگار»، پاداش مهاجرانی است که هجرت آنها «فی سبیلِ الله» بوده است؛ یعنی نتیجه بخشی و ارزش این عمل نزد خداوند، به خدایی بودن نیت آن است، نه اینکه عمل به سبب مقاصد دنیوی مانند کسب مال یا رسیدن به مقام انجام شود. از تأکید الهی بر این مسئله که این پاداش حتی با کشته شدن یا مردن شخص بعد از هجرت هم به او می رسد (قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا)، می توان برداشت کرد که اگر هجرت به نیت الهی نباشد و به کشته شدن یا مردن شخص منتهی شود، بی پاداش می ماند. این نشان می دهد که ملاک اصلی، همان حسن فاعلی و نیت خدایی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۹۹). نمونه دیگر این آیه شریفه است:

وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافَعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء: ۱۰۰).

در این آیه شریفه، بین حسن فاعلی و نتیجه فعل رابطه برقرار شده است. هجرت و جهاد و دل کندن از علائق، گاه به سبب رسیدن به مال یا مقام یا آسایش و اغراض دنیوی است. خدا در قبال این هجرت و جهاد به انسان پاداش نمی دهد. آنچه هجرت را با ارزش می کند، قید «فی سبیلِ الله» و یا «الی الله» است که آن را به عمل نتیجه بخش و ارزشمند تبدیل، و پاداش الهی را نصیب وی می کند؛ همان گونه که آیه به این پاداش های بزرگ تصریح کرده است.

نظیر این آیه، آیه دیگری در سوره نحل است که می فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۱). در این آیه به جای «فی سبیلِ الله» و یا «الی الله» از عبارت «فی الله» استفاده شده است. هجرت در خدا، هجرتی است که فقط برای کسب رضای خدا انجام شود؛ مانند تعبیر «سافر فی طلب العلم» و یا «خرج فی طلب المعیشة» که به معنای این است که به غرض کسب علم مسافرت کرد و برای به دست آوردن معیشت،

خارج شد و غرض دیگری نداشت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۲۵۴). پس این آیه نیز با تعبیر «فی الله» بر تأثیر نیت در نتیجه عمل دلالت دارد.

نقش نیت در رسیدن به حیاتی جاوید

با پایان یافتن عمر و حیات دنیوی انسان و ورود به عالم دیگر، پرونده اعمال او بسته می شود؛ همان گونه که روایات به این امر تصریح کرده اند: «قال النبی ﷺ: إذا مات ابن آدم انقطع عمله» (احسائی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۶۰)؛ «إذا مات الانسان انقطع عنه عمله» (مسلم، بی تا، ج ۵، ص ۷۳). قرآن به این حقیقت با عباراتی دیگر اشاره کرده است؛ آنجا که می فرماید: «فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا» (غافر: ۸۵). امام رضا ﷺ در پاسخ به پرسش مأمون که چرا با اینکه فرعون در لحظه آخر ایمان آورد و اقرار به توحید کرد، از او پذیرفته نشد، به آیه مزبور احتجاج می کند که زمان مرگ (در حال احتضار) و دیدن عذاب، پرونده بسته می شود و دیگر عملی برای شخص سودمند نیست (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۷۷۲).

پس بنابر آیات و روایات، با مرگ انسان، عملی از وی پذیرفته نخواهد شد؛ اما قرآن و روایات، مواردی را استثنا کرده اند. یکی از آن موارد جایی است که شخص جان خود را به قصد قربت با پروردگار خویش معامله می کند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه: ۱۱۱)؛ خداوند جان ها و اموال مؤمنان را در مقابل بهشت از آنان خریداری می کند. در این صورت هر چند انسان در ظاهر جان می دهد و می میرد، در عوض به حیاتی بسیار ارزشمندتر دست می یابد. خداوند می فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره: ۱۵۴). در این حیات که در جوار رحمت پروردگار است، انسان از روزی های ویژه ای الهی بهره مند است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۹۶).

روشن است که آنچه به عمل مجاهدان ارزش می دهد و موجب برخوردار شدن آنان از چنین حیات ارزنده ای می شود، صرفاً مبارزه در میدان جنگ علیه کفار نیست؛ چرا که اگر نیت شایسته ای در کار نباشد و جنگ و جهاد برای رضای خدا نباشد، این عمل قطعاً چنین تأثیر شگرفی نخواهد داشت. مانند «قتیل الحمار» که به ظاهر در معرکه جنگ و جهاد و در رکاب پیامبر اکرم ﷺ کشته شد، اما در جرگه شهدا قرار نگرفت، و چنین اثری بر جهاد او مترتب نگشت (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۸۹). آنچه به جهاد و مبارزه ارزش می دهد، تا جایی که طبق برخی روایات در ردیف عالی ترین کارهای نیک قرار می گیرد، همان نیت الهی و مبارزه در راه خداست: «وَعَنْ النَّبِيِّ ﷺ: قَوْلُ كُلِّ بَرٍّ بَرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ» (شعیری، بی تا، ص ۸۳).

نتیجه‌گیری

از دیدگاه اسلام، کاری دارای ارزش اخلاقی است که با نیت الهی و برای تحصیل رضای خداوند متعال انجام گیرد. تعابیر آیات در تأثیر نیت الهی متفاوت است؛ گاه بیانگر تأثیر مستقیم در عمل، و گاه بیانگر تأثیر در نتیجه عمل است. از این آیات به دست می‌آید که نیت الهی روح و جان عمل است؛ به همین دلیل، عملی که به نیت غیر الهی انجام گیرد، هیچ ارزشی در درگاه الهی ندارد. همچنین نیت چنان نقش محوری در عمل دارد که چه بسا نیت انجام کار یا رضایت به آن، شخص را از نگاه قرآن در ردیف فاعل آن قرار می‌دهد. بقا و دوام آثار ارزشمند عمل در آخرت نیز وابسته به نیت الهی آن است. همچنین پذیرش عمل در بارگاه الهی و استحقاق پاداش‌های نیکو در دنیا و آخرت مرهون نیت الهی عمل می‌باشد. بنابراین از دیدگاه قرآن محوری‌ترین نقش در ارزش اخلاقی عمل از آن نیت انجام کار است.

منابع

- الوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن الحجاج، مسلم، بی‌تا، *صحیح مسلم*، بی‌جا، بیروت، دار الفکر.
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمدجعفر یاحقی - محمد مهدی ناصح، بی‌جا، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بی‌جا، بیروت، دار الفکر.
- احسبایی، ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق، *عوالی اللئالی*، قم، بی‌نا.
- احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، بی‌جا، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ازهری، محمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اس. ربر، آرتور، ۱۳۹۰، *فرهنگ روان‌شناسی* (توصیفی)، ترجمه: یوسف کریمی و دیگران، تهران، رشد.
- بحرانی، هاشم، ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة موسسة البعثة، تهران، بنیاد بعثت.
- برقی، احمد، ۱۳۳۰، *المحاسن*، تحقیق: سیدجلال‌الدین حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *مراحل اخلاق در قرآن*، چ دوم، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۴، *تسنیم*، تحقیق: سعید بندعلی، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، چ چهارم، تحقیق: احمد عبدالغفور العطار، بیروت، دار العلم.
- خدانپاهی، محمدکریم، ۱۳۷۹، *انگیزش و هیجان*، تهران، سمت.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*.
- رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم الدار الشامیة.
- رمضانی، رضا، ۱۳۸۷، *آرای اخلاقی علامه طباطبایی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رهنما، علی، ۱۳۹۰، «نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۶۸.

پی‌نوشت‌ها

- در تفاوت «عمل» و «شأن» نیز گفته‌اند: ظهور کار به اقتضای حالت‌های باطنی و درونی نفس، «شأن» و به اقتضای وقوع و تحقق فعل در خارج، «عمل» نامیده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۲۲۴). با توجه به معانی عمل و مشتقات آن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۷۵)، این واژه در معنای «رفتار ظاهری» و نه درونی و باطنی به کار می‌رود و تعبیر «عمل جوانحی» مسامحی است.
- ابی حمزه قال: قلت لأبی جعفر: قول الله تعالی «کل شیء هالک إلا وجهه». قال: فیهلك کل شیء و یرقی الوجه، إن الله عز وجل أعظم من أن یوصف بالوجه، ولكن معناه کل شیء هالک إلا دینه والوجه الذی یؤتی منه (صدوق، ۱۳۷۹، ص ۱۲).
- عن صفوان الجمال، عن أبی عبد الله: فی قول الله: «کل شیء هالک إلا وجهه». قال: من أتى الله بما أمر به من طاعته وطاعة محمد: فهو الوجه الذی لا یهلك (برقی، ۱۳۳۰، ج ۱، ص ۲۱۹).

- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، *بحر العلوم*، بی جا، بی نا.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰، *تفسیر سورآبادی*، تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو.
- سیدمرتضی، ۱۳۲۵ق، *الامالی*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، بی جا، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶ق، *خصائص الائمة*، تحقیق: محمد هادی امینی، بی جا، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
- _____، ۱۴۱۲ق، *نهج البلاغه*، تحقیق: محمد عبده، قم، دار الذخائر.
- شعیری، تاج الدین، بی تا، *جامع الاخبار*، تهران، رضی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، ۱۳۶۲، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- _____، ۱۳۷۹، *معانی الاخبار*، بی جا، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- _____، بی تا، *عیون اخبار الرضا*، تهران، نشر جهان.
- شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۳۶۰، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، چ دوم، تصحیح و تعلیق: سیدجلال الدین آشتیانی، مشهد، مرکز الجامعی لل نشر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ق، *الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز*، تحقیق: مالک محمودی، قم، دار القرآن الکریم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- فیروزآبادی، محمد، بی تا، *القاموس المحیط*، بی جا، بی نا.
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، چ دوم، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، صدر.
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۸ق، *الأصفی فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- فیومی، احمد، ۱۴۰۵ق، *المصباح المنیر*، قم، هجرت.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، چ چهارم، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب.
- کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۰، *تاریخ فلسفه* (از ولف تا کانت)، چ سوم، ترجمه: اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران، انتشارات علمی فرهنگی و انتشارات سروش.
- کاظمی، جواد بن سعید، ۱۳۶۵، *مسالك الأفهام الی آیات الأحکام*، چ دوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- کانت، ایمانوئل، ۱۳۶۹، *بنیاد مابعد الطبیعه*، ترجمه: حمید عنایت و علی قیصری، بی جا، تهران، خوارزمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الاصول من الکافی*، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، بی جا، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح کلمات آل الرسول*، چ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۶، *آموزش فلسفه*، چ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____، ۱۳۷۶، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، بی تا، *کلمه حول فلسفه الاخلاق*، قم، مؤسسه در راه حق.
- مصباح، مجتبی، ۱۳۸۸، *بنیاد اخلاق*، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، «نقش نیت در ارزش اخلاقی»، *اخلاق و حیانی*، سال اول، ش ۲.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معلمی، حسن، ۱۳۸۴، *فلسفه اخلاق*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی*، ج ۴، چ هشتم، تهران، امیرکبیر، ص ۴۸۷۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- نراقی، محمد مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، چ چهارم، تحقیق: محمد کلانتر، نجف، دار النعمان.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، *کتاب الغیبه*، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، انوار الهدی.
- نیشابوری، حسن بن محمد، ۱۴۱۶ق، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه.